

Legal Requirements Governing the Approach to Vetting Parliamentary Candidates in Iran (With Emphasis on the Amendment to the Parliamentary Election Law of 22 July 2023)

*Aminollah Zamani**

| | | | | |
|------------------|-----------------------------|----------------------------|--|---------------|
| Original Article | Receive Date: 2024.09.27 | Accept Date: 2025.03.17 | Online Publication Date: 2025.03.17 | Page: 145-176 |
|------------------|-----------------------------|----------------------------|--|---------------|

In amending the Parliamentary Election Law in 2023, the legislator sought to render the candidate vetting process more precise by clarifying and codifying specific legal requirements and aligning them with general election policies. This study addresses two fundamental questions: which legal requirements must be observed by the candidate-vetting authority, and based on these requirements, what approach or theory can be inferred as the legislator's intended framework for candidate qualification assessment? Answering these questions contributes to conceptualizing candidate vetting as a procedural process governed by legal principles and to identifying a coherent theoretical foundation for qualification assessment. Using a descriptive-analytical method and documentary research, and drawing on opinions of the Guardian Council with particular emphasis on the 2023 amendment, the findings indicate that the right to be elected constitutes a legitimate right of candidates. Accordingly, the vetting process must adhere to requirements such as the right to legal recourse, the right to know the reasons for rejection or non-qualification, the right to present defenses or explanations, and principles including the rule of law, impartiality and independence of the vetting authority, confidentiality, and urgency. These requirements suggest that the dominant approach to candidate vetting is legalistic and adversarial in nature. Consistent with this approach and the principle of maximum public participation, the vetting authority should apply reasonable and socially adaptive standards when assessing qualitative conditions such as "commitment" to Islam, the Constitution, and the Guardianship of the Jurist, and should evaluate both positive and negative records collectively to avoid unduly narrowing the pool of eligible candidates.

Keywords: *Candidate qualification; Parliamentary candidates; Guardian Council; Islamic Consultative Assembly*

* Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Crime Prevention and Correctional Education, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran; Email: zamani@ujsas.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 33, No. 125, Spring 2026

How to cite this article: Zamani, A. (2026). "Legal Requirements Governing the Approach to Vetting Parliamentary Candidates in Iran (With Emphasis on the Amendment to the Parliamentary Election Law of 22 July 2023)", *Majlis and Rahbord*, 33(125), p. 145-176.

doi: 10.22034/mr.2025.17178.5898

بایسته‌های حقوقی حاکم بر رویکرد احراز صلاحیت داوطلبان نماینده‌گی مجلس شورای اسلامی در نظم حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱/۵/۱۴۰۲)

امین‌اله زمانی*

| | | | | |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|--------------------------|---------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ | شماره صفحه: ۱۷۶-۱۴۵ |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|--------------------------|---------------------|

قانونگذار در اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۴۰۲، تلاش کرده فرایند بررسی صلاحیت‌ها را با تبیین و تصریح برخی بایسته‌های حقوقی و انطباق با سیاست‌های کلی انتخابات، دقیق‌تر کند. این پژوهش به دنبال بررسی دو سؤال اساسی است: چه بایسته‌هایی را باید در فرایند تعیین صلاحیت نهاد تعیین صلاحیت رعایت کند؟ و حسب این بایسته‌ها، چه رویکرد یا نظریه‌ای را می‌توان برای موضوع تشخیص صلاحیت به‌عنوان نظر قانونگذار استنباط کرد؟ اهمیت و هدف از پاسخ به این سؤال‌ها، می‌تواند به فرایندی بودن تشخیص صلاحیت از طریق اصول حاکم بر آن و تعیین نظریه‌ای علمی برای احراز صلاحیت منجر شود. یافته‌های این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نظر شورای نگهبان و تأکید بر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱/۵/۱۴۰۲ انجام گرفته است که نشان می‌دهد انتخاب شدن «حقی» است برای داوطلبان که در فرایند تشخیص صلاحیت بایسته‌هایی مانند حق دادخواهی، حق دانستن دلایل رد یا عدم احراز صلاحیت، حق ارائه دفاعیات یا توضیحات و همچنین اصل حاکمیت قانون، اصل بی‌طرفی و استقلال مرجع تعیین صلاحیت، اصل محرمانگی و فوریت بر آن حاکم است. حسب این بایسته‌ها، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که رویکرد حاکم بر فرایند بررسی صلاحیت‌ها یک رویکرد حقوقی و مبتنی بر اصل ترافعی است. مبتنی بر این رویکرد و اصل مشارکت حداکثری مردم، مرجع تعیین صلاحیت در احراز شرایط کیفی «الترام‌ها» به اسلام، قانون اساسی و ولایت فقیه، معیارهای متعارف و معقول را نیز براساس تحولات اجتماعی در نظر می‌گیرد و عرفاً همه سوابق خوب (مثبت) و بد (منفی) داوطلب را برای تعیین صلاحیت در کنار هم می‌بیند و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که دایره احراز صلاحیت آن قدر مضیق نشود که داوطلبان معدودی برای نامزدی انتخابات مجلس شورای اسلامی تأیید شوند.

کلیدواژه‌ها: تشخیص صلاحیت؛ داوطلبان نمایندگی؛ شورای نگهبان؛ مجلس شورای اسلامی

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران؛
Email: zamani@ujssas.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و سوم، شماره یکصد و بیست و پنجم، بهار ۱۴۰۵

روش استناد به این مقاله: زمانی، امین‌اله (۱۴۰۵). «بایسته‌های حقوقی حاکم بر رویکرد احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در نظم حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱/۵/۱۴۰۲)»، مجلس و راهبرد، ۳۳(۱۲۵)، ص. ۱۴۵-۱۷۶.

doi: 10.22034/mr.2025.17178.5898

مقدمه

شورای نگهبان مطابق با اصل نودونهم قانون اساسی وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و مراجعه به همه‌پرسی را برعهده دارد. ماهیت این نظارت نیز براساس نظریه تفسیری آن شورا،^۱ یک نظارت استصوابی بوده که در همه مراحل انتخابات و از جمله رد و تأیید صلاحیت داوطلبان حاکم است. در خصوص ماهیت نظارت و شرایط آن تاکنون تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است. مجلس شورای اسلامی با اصلاح و تصویب قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲، نسبت به فرایند تشخیص صلاحیت و انطباق آن با سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی اهتمام ویژه‌ای انجام داده و نسبت به شفافیت فرایند تعیین صلاحیت اقدام کرده است. سؤال اساسی این تحقیق، آن است که از منظر قانونگذار چه اصول و بایسته‌هایی باید حاکم بر فرایند بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باشد؟ و اینکه این بایسته‌ها دارای چه ماهیتی باشد؟ در پاسخ به این سؤال‌ها، به نظر می‌رسد که بر فرایند تعیین صلاحیت، بایسته‌هایی مانند اصل حاکمیت قانون، اصل مستند بودن عدم صلاحیت، اصل استماع دفاعیات داوطلب، اصل اعتراض و تجدیدنظرخواهی حاکم است که ماهیت این اصول نیز حقوقی بوده و مستلزم رعایت دادرسی منصفانه و عادلانه منطبق با قواعد حقوقی است. ضرورت و اهمیت شناسایی دقیق این اصول با زبان علمی از یک سو موجب تدقیق فرایند بررسی صلاحیت و از سوی دیگر شناسایی رویکرد یا نظریه‌ای مبتنی بر این اصول بر فرایند تشخیص صلاحیت خواهد بود. الزام نهاد تصمیم‌گیر در رعایت این بایسته‌ها و شناسایی حقوق داوطلبان در آشنایی و اجرای آن می‌تواند از اهداف این تحقیق محسوب شود. همچنین احراز رویکرد یا نظریه احراز صلاحیت — که همچنان محل بحث در تولیدات علمی و مناقشات سیاسی است — از دیگر اهداف تبیین این بایسته‌هاست.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه

۱. نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱ شورای نگهبان.

کتابخانه‌ای و تأکید بر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۴۰۲، بایسته‌های حاکم بر فرایند بررسی صلاحیت را احصا و تبیین می‌کند. از این رو قانونگذار در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تلاش کرده با تدوین اصول و مقررات لازم حقوقی در فرایند تعیین صلاحیت داوطلبان، رویکردی منطبق با اصول یک انتخابات آزاد و منصفانه را اتخاذ و حقوق مدنی و سیاسی^۱ آنها را تضمین کند. اصل حاکمیت قانون،^۲ اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع تعیین صلاحیت، اصل ترافعی بودن تعیین صلاحیت (حق دفاع یا ارائه توضیحات از سوی داوطلب و دسترسی به اطلاعات^۳ (ادله))، اصل دادخواهی و تجدیدنظرخواهی (شفافیت^۴ و پاسخگویی^۵) و اصل مشارکت حداکثری از مهم‌ترین اصول حاکم بر این فرایند است که رعایت آنها از سوی مرجع تشخیص صلاحیت الزامی است. این اصول در اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱ با صراحت بیشتری نمایان شده است که تبیین آن و همچنین انطباق آن اصول قانونی با سیاست‌های کلی انتخابات ضرورت و اهمیت این تحقیق را نمایان می‌کند. در همین راستا، در ابتدای این پژوهش به مفهوم علمی «احراز صلاحیت» خواهد پرداخت و در ادامه به بایسته‌های حاکم بر فرایند احراز صلاحیت اشاره می‌شود و سپس حسب بررسی بایسته‌ها و ماهیت موضوع «رویکرد احراز صلاحیت» مطرح خواهد شد و در پایان با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تلاش می‌شود نسبت به پیشنهادهای کاربردی و همچنین تبیین ماهیت «تشخیص صلاحیت» اهتمام لازم انجام شود.

۱. احراز صلاحیت

«احراز» در لغت به معنای فراهم آوردن و جمع کردن است. احراز مقام نیز در

-
1. Political and Civil Rights
 2. The Role of Law
 3. Access to Information
 4. Transparency
 5. Accountability

معنای دارا شدن مقام به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۹۲۰). واژه «صلاحیت» در لغت به معنای شایستگی و درخوری است (همان، ج ۹: ۱۳۲۳۱). به نظر می‌رسد تعریف اصطلاحی احراز صلاحیت از معنای لغوی آن دور نباشد و آن را دارا شدن شایستگی برای کاری یا شغلی دانست. به عبارت دیگر، منظور از احراز صلاحیت، دارا شدن یا بودن شرایط اولیه شایستگی برای تصدی امر نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. شاید به همین دلیل انطباق معنای لغوی با مفهوم اصطلاحی آن باشد که تاکنون در این خصوص تعریف مدون و منطبق با فرایند بررسی صلاحیت ارائه نشده و برخی نویسندگان (پروین و نورایی، ۱۳۹۵: ۱۲۴) به جهت بدیهی و بسیط بودن این مفهوم و بدون تعریف حقوقی آن، به مبانی تشخیص صلاحیت پرداخته‌اند. احراز صلاحیت در ادبیات حقوق انتخابات، فرایندی است که در آن مراجع ذیصلاح با تطبیق شرایط قانونی انتخاب‌شوندگان با متقاضیان ورود به مجلس، افراد واجد شرایط قانونی را برای این امر تشخیص می‌دهند (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۲۱). نگارنده معتقد است احراز صلاحیت، فرایندی حاکمیتی، ترافعی و حقوقی است که در آن نسبت به دارا بودن شرایط قانونی انتخاب شدن (نامزدی) داوطلبان تصدی امر نمایندگی مجلس شورای اسلامی تصمیم‌گیری می‌شود. از آن جهت که احراز صلاحیت طی زمان و دارای مراحل مختلف است، یک فرایند محسوب می‌شود. ماهیت این فرایند حقوقی، مستلزم دانش حقوقی تطبیق مصداق با قانون و رعایت اصول حقوقی مانند اصل قانونی بودن است. داوطلب در این فرایند نقش فعال داشته و دارای حق اعتراض، اطلاع از دلایل عدم تأیید و حق ارائه توضیحات یا دفاعیات است، به همین دلیل ترافعی بودن از ویژگی‌های این فرایند است. با این توضیحات مشخص می‌شود که این فرایند، شبه قضایی و اجرای آن مرتبط با اقتدار و حاکمیت نظام بوده و مطابق با ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، امری حاکمیتی است. شورای نگهبان نیز در ماده (۳) دستورالعمل بررسی صلاحیت مصوب ۱۴۰۲، اشعار داشته است که تعیین صلاحیت، فرایندی است که در آن برای احراز صلاحیت داوطلبان، ادله، قرائن، شناسایی، تأمین، مستندسازی و جمع‌آوری می‌شود

و سپس با بررسی، شنیدن دفاعیات داوطلب و تحلیل ادله نسبت به تأیید، عدم تأیید یا عدم احراز صلاحیت داوطلبان اظهار نظر و تصمیم‌گیری می‌شود.

تشخیص صلاحیت اشخاص برای تصدی منصب یا شغل، تنها در شورای نگهبان مطرح نبوده و در همه نهادها و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیردولتی، به صورت عملی، موضوع تشخیص صلاحیت برای اعطای شغل یا منصب پذیرفته شده است. هر چند از جهت نظری و علمی، روبه‌های تشخیص صلاحیت در کشور ما مورد بررسی قرار نگرفته است؛ اما بررسی اقدام‌ها و فرایندهای عملی نهادها و سازمان‌ها مانند هسته‌های گزینش، جذب نیروی انسانی برای منصب قضا، استخدام در نهادهای غیردولتی و ... را می‌توان در دو رویکرد قضایی صرف و غیرقضایی دسته‌بندی کرد. در رویکرد قضایی، مبنای تشخیص صلاحیت وجود یا عدم سابقه کیفری صادرشده از سوی محاکم قضایی یا شبه‌قضایی است و سایر اسناد و مدارک از جمله تحقیقات از فضای حقیقی یا مجازی، استعلام از نهادهای امنیتی یا سایر سوابق قضایی مانند محکومیت‌های حقوقی ... جایگاهی در تشخیص صلاحیت ندارد. در این رویکرد اصل بر صلاحیت داشتن افراد بوده و با فقدان سابقه کیفری، صلاحیت او تأیید خواهد شد. به نظر می‌رسد این رویکرد، موضوع تعیین صلاحیت را با نگاه کاملاً قضایی و به مانند فرایند احراز مجرمیت یا عدم آن در نهادهای دادگستری شناسایی می‌کند. در رویکرد غیرقضایی، همه سوابق و پیشینه افراد اعم از قضایی یا غیرقضایی و همچنین تحقیقات و استعلام‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طوری که اصل بر عدم صلاحیت اشخاص است.

این دیدگاه از آنجاکه همه سوابق اشخاص را مورد بررسی قرار می‌دهد مناسب است اما از آن جهت که موضوع تشخیص صلاحیت را حق یک‌طرفه برای نهاد یا آن سازمان می‌بیند و حقوق دفاعی داوطلب مانند حق دفاع یا اطلاع از دلایل رد صلاحیت را نادیده می‌گیرد قابل پذیرش نیست. نگارنده معتقد است که هر کدام از این دو رویکرد به تنهایی نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف واقعی تشخیص صلاحیت و همچنین تضمین حقوق داوطلبان و به تبع آن حقوق سازمان یا حاکمیت در نظام

جمهوری اسلامی ایران شود و از این جهت نیاز است رویکردی به همراه مبانی و اصول آن تبیین و گفتمان‌سازی شود. از این رو با بررسی اسناد، قوانین، رویه عملی شورای نگهبان، دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی و ماهیت احراز صلاحیت - که موضوعی شبه‌قضایی است- می‌توان رویکردی که تأمین‌کننده حقوق طرف‌های تشخیص صلاحیت باشد را با عنوان رویکرد حقوقی شناسایی کرد.

۲. بایسته‌های حاکم بر رویکرد فرایند تشخیص صلاحیت

برای تبیین یک فرایند می‌توان از دو منظر شروع کرد گاه با تبیین نظری مبانی و اهداف آن می‌توان به ارائه رویکرد پرداخت و گاه با بیان تدقیق در فرایندهای عملی و توصیف اصول و ویژگی‌های آن فرایندها به این مهم دست یافت. از آنجاکه موضوع تعیین یا تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای ادوار متمادی دارای پشتوانه عملی و رویه‌ای بوده و در بسیاری از موارد تبیین و نقد نیز می‌شود، از منظر توصیفی بهتر می‌توان به انسجام نظری برای این رویکرد دست یافت. در همین راستا نگارنده تلاش کرده با احصای بایسته‌های حاکم بر فرایند احراز صلاحیت، علاوه بر ایجاد یک وحدت رویه، به کلیتی از یک رویکرد احراز صلاحیت نیز دست یابد. با استنباط از قوانین، رویه‌ها و اصول علمی و حقوقی برای فرایند بررسی صلاحیت می‌توان بایسته‌هایی را به شرح ذیل شناسایی و تعریف کرد.

۱-۲. اصل قانونی بودن و شرعی بودن تعیین صلاحیت

اصل قانونی بودن یا حاکمیت قانون که باعث کنترل قدرت سیاسی و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد می‌شود از اصول یک انتخابات آزاد و منصفانه است (خسروی، ۱۳۸۹: ۴۱۵). این اصل بدان معنا است که هم اصل وظیفه «تعیین صلاحیت» و هم فرایندها و عملکردهای تعیین صلاحیت باید به موجب نص قانون باشد. آنچه از مفهوم انصاف در انتخابات به‌عنوان «قاعده‌مندی» یاد می‌شود ناظر بر اصل مذکور و رعایت قوانین و مقررات (آیین‌نامه‌ها) است (یورگن الکیت، ۱۳۸۴: ۸۰). برخی نویسندگان

از این اصل تحت عنوان اصل حاکمیت قانون در فرایند بررسی صلاحیت یاد کرده‌اند (رضایی‌زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۲۹). قانون اساسی به موجب اصل نودونهم و سایر قوانین عادی (ماده ۳ و مواد فصل پنجم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) اصل وظیفه نظارت استصوابی و لوازم آن از جمله تعیین صلاحیت داوطلبان انتخاباتی را برعهده شورای نگهبان قرار داده است. تعیین صلاحیت داوطلبان مجلس یک نظارت استصوابی قانونی است و این‌گونه نیست که نظارت استصوابی خارج از فرایندهای قانونی و مبتنی بر صلاحدید و تشخیص خارج از قانون نهاد شورای نگهبان باشد. چنین دیدگاهی آن‌گونه که برخی منتقدان مطرح کرده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۶؛ موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۷) ممکن است از عدم تفکیک میان مفهوم و اصول حاکم بر نظارت استصوابی - که یک نظارت مبتنی بر قانون است (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۷۶) - یا عملکرد ناظر - که گاه ممکن است دچار خطا شده باشد - ناشی شود؛ همان‌طور که برخی منتقدان با عدم تفکیک میان مفهوم نظارت استصوابی و عملکرد ناظر، مطرح کرده‌اند. در صلاحیت استصوابی همه اصول قانونی از جمله استقلال و بی‌طرفی، پاسخگویی، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی رعایت می‌شود که برخی از نویسندگان به‌عنوان شاخصه‌های «نظارت قانونی» (اطاعت، ۱۳۸۳: ۳۲) یا «نظارت انضباطی» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۷) یا به‌عنوان «الگوی مطلوب نظارتی» در نظام مردم‌سالار (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۱۸)، در نقد و جایگزین نظارت استصوابی پیشنهاد می‌کنند. بنابراین در صلاحیت استصوابی همه مراحل بررسی صلاحیت و اقدام‌های نهاد ناظر مبتنی بر قانون است. شاید این شبهه مطرح شود که چه تضمینی برای عدم خروج صلاحیت استصوابی از مسیر قانونی خود وجود دارد؟ این شبهه برای هر نوع نظارتی اعم از استصوابی یا غیر آن وجود خواهد داشت باین‌حال، نسبت به نهادهای ناظری که اظهارنظر آنها قطعی و غیرقابل اعتراض است مانند شورای نگهبان یا دیوان عالی کشور جدی‌تر خواهد بود. نظارت حقوقی از طریق نهاد ناظر دیگر در این موارد از آنجاکه موجب تسلسل نهادهای نظارتی و ناکارایی (همان: ۲۱۹) یا اخلال و بی‌نظمی می‌شود (قطبی، محمدپور و کرمی، ۱۳۹۸: ۱۳۲) امری

غیرممکن، غیرعقلانی و غیرمفید است. ضمن اینکه، چنین نظارتی می‌تواند استقلال این نهاد — که از شرایط انتخابات آزاد و منصفانه است (خسروی، ۱۳۸۹: ۴۳۷) — را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین نظارت باید از طریق تضمین فرایندها منطبق با قانون و رعایت اصول آن فراهم شود. به عبارت دیگر، قانونگذار باید با تشخیص ماهیت عملکرد قضاوت یا تشخیص صلاحیت نسبت به تصریح شرایط تصمیم‌گیران، تدابیر مراحل اعتراض و دادخواهی و اصول حاکم بر تصمیم‌گیری را در نظر داشته باشد. از این رو، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در اصلاحات اخیر خود (مصوب ۱۴۰۲) تلاش کرده مراحل تضمین حقوق افراد را با اعطای حق دفاع یا ارائه توضیحات^۱، حق دانستن دلایل^۲، حق اعتراض به هیئت مرکزی نظارت^۳ و شورای نگهبان^۴ پیش‌بینی کند. شورای نگهبان در دستورالعمل بررسی صلاحیت مصوب ۱۴۰۲ بر حضور کارشناسان دارای شرایط امانت و وثاقت و همچنین داشتن تحصیلات حقوق یا فقه تأکید کرده است. از طرف دیگر، با نظارت قضایی از طریق هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری بر عدم رعایت فرایندهای شکلی مانند عدم رعایت حق دفاع یا دادخواهی در بررسی صلاحیت، ارتکاب برخی جرائم مانند افترا یا گزارش خلاف واقع در بررسی صلاحیت‌ها یا عدم رعایت اصل بی‌طرفی^۵ اقدام لازم صورت پذیرد. در کنار این نظارت‌ها، اختیارات مقامات منصوب‌کننده (مقام رهبری) یا معرفی‌کننده (رئیس قوه قضائیه یا مجلس شورای اسلامی) اعضای شورای نگهبان حسب بررسی و گزارش عملکرد ایشان، به‌عنوان نظارت اداری بر نهاد مذکور پابرجاست. ضمن اینکه، نظارت مردمی و غیررسمی از طرف رسانه‌ها، گروه‌های منتقد و مختلف، سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب سیاسی و سایر تأسیسات مشابه می‌تواند در

۱. ماده (۶۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۲. تبصره «۱» ماده (۶۴) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۳. تبصره ماده (۶۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۴. بند «ب» ماده (۶۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۵. مواد (۷۵) و (۹۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

ضمانت عملکرد مطلوب این نهاد مؤثر واقع شود (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

۲-۲. اصل صلاحیت ذاتی و انحصاری مرجع تعیین صلاحیت

به موجب اصل نودونهم قانون اساسی، شورای نگهبان تنها مرجع عالی نظارت بر انتخابات و از جمله تعیین صلاحیت است و سایر مراجع چنین صلاحیتی را برای ورود به تعیین صلاحیت ندارند. شورای نگهبان رسیدگی به امور صلاحیت و نظارت را وظیفه انحصاری و ذاتی خود می‌داند که می‌تواند از طریق معتبر قانونی و شرعی و به صورت مستقل اقدام کند. از این جهت موادی از مصوبات پیشنهادی مجلس شورای اسلامی که تعیین صلاحیت را به نظر کارشناس یا مرجع دیگری از جمله محاکم قضایی و نهادهای امنیتی منحصر کرده است که موجب تضییق نظارت شورای نگهبان و نفی طرق شرعی دیگر تعیین صلاحیت می‌شود را مغایر با اصل نودونهم قانون اساسی دانسته است.^۱ اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص نظارت بر صلاحیت‌ها و فرایند برگزاری انتخابات نهایی و قطعی است و ارجاع موضوع به نهاد دیگر مثل دیوان عالی کشور در خصوص داوطلبان رد صلاحیت شده، مغایر استقلال شورا و اصل نودونهم قانون اساسی است.^۲ به طور کلی تصمیمات نهادهای عالی و مستقل در نظام‌های حقوقی که وظیفه صیانت از قانون اساسی را برعهده دارند از اعتبار امر مختومه برخوردارند و آرای آنها به جهت ناپسند بودن نظارت بر نظارت و ایجاد تسلسل در فرایندها، غیرقابل اعتراض در نزد مراجع دیگر است (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

شورای نگهبان، اختیار نظارت بر فرایند انتخابات را «صرفاً» از وظایف و اختیارات دانسته و ارجاع موارد اختلاف بین شورای نگهبان و وزارت کشور در موضوع صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی به مرجع دیگر مانند هیئتی به ریاست رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را مغایر با اصل نودونهم قانون اساسی دانسته

۱. اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مندرج در نامه شماره

۱۳۸۲/۱/۱۱ مورخ ۸۲/۳۰/۲۷۱۲.

۲. همان.

است.^۱ بر همین اساس، مراجعی که موضوع استعلام قرار می‌گیرد تنها باید در محدوده استعلام، اطلاعات لازم را در اختیار شورای نگهبان قرار دهد و مجاز نیست تشخیص و یا قضاوت خود را به شورای نگهبان پاسخ دهد. ماده (۵۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحی ۱۴۰۲/۵/۱ نیز در همین راستا تأکید کرده است که پاسخ وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان ثبت احوال کشور، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و قوه قضائیه به شورای نگهبان می‌بایست «تنها ناظر به وجود سوابق در خصوص شرایط مذکور در قانون باشد» و در نتیجه این حق را ندارند که نسبت به صلاحیت داوطلبان اظهار نظر کنند.

۳-۲. اصل استقلال مرجع تعیین صلاحیت

مهم‌ترین ویژگی هر نهاد داور و تصمیم‌گیرنده نسبت به حقوق افراد، استقلال آن است. رعایت این اصل برای نهاد ناظر از مختصات انتخابات آزاد و تأمین‌کننده حقوق سیاسی داوطلبان است (خسروی، ۱۳۸۹: ۴۳۷). بنابراین شورای نگهبان باید صرف‌نظر از تأثیر قدرت‌ها، اشخاص، گروه‌ها و سلايق و تنها براساس شرع و قانون به وظایف خود عمل کند.^۲ شورای نگهبان باید از جهت اداری و بودجه‌ای دارای استقلال ساختاری باشد تا بدون وابستگی به دولت ذی‌نفع در انتخابات، به نظارت خود بپردازد. از جهت اداری و حسب تفسیر شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ شورای نگهبان از اصل نودویکم قانون اساسی، تصویب مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان برعهده این شورا است که در همین راستا، مقررات اداری، مالی، استخدامی و معاملاتی شورای نگهبان در سال ۱۳۸۹ برای استقلال اداری و استخدامی به تصویب رسیده است. از جهت بودجه‌ای نیز مطابق قانون مقررات

۱. اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص تبصره «۴» ماده (۵۲) طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸، مندرج در نامه شماره ۸۰/۲۱/۲۶۵۸ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۹ شورای نگهبان.
۲. وصیت‌نامه سیاسی امام خمینی بند «ز» بیانات رهبر انقلاب در جمع اعضای شورای نگهبان (۱۳۶۲/۹/۲۰)؛ پیام به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۲/۱۱/۲۲)؛ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان (۱۳۸۰/۷/۱۱) (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

مالی شورای نگهبان مصوب ۱۰ مهر ۱۳۶۲، بودجه شورای نگهبان پس از تفکیک برنامه‌ها و مواد هزینه به‌وسیله امور مالی شورای مذکور تهیه و پس از تأیید شورا به سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد می‌شود تا «عیناً» در لایحه بودجه منظور شود که این نظارت از طریق خود شورای نگهبان در بررسی لوایح سالانه بودجه صورت می‌پذیرد. از جهت سیاسی و اجتماعی نیز شورای نگهبان باید در مقابل احزاب و گروه‌های سیاسی، دولت‌ها، طرفداران نامزدها، داوطلبان و ... دارای استقلال باشد و فشارها و اعتراض‌های سیاسی نتواند بر عملکرد او اثرگذارد؛ زیرا استقلال شورا در مقابل گروه‌ها و احزاب سیاسی او را از اتهام سیاسی بودن یا ورود شورا به گزینش صلاحیت سیاسی داوطلبان که برخی از نویسندگان مطرح کرده‌اند (علینقی، ۱۳۷۸: ۸۶) مبرا می‌کند.

همچنین اعضای شورای نگهبان و ناظران نیز نباید در فرایند انتخابات به‌گونه‌ای مانند اعلام‌نظر، جانب‌داری، طرفداری و ... عمل کنند که استقلال شورای نگهبان خدشه‌دار شود. برای این امر باید دقت کرد که اعضای شورای نگهبان یا ناظران عضویت در حزب یا گروه سیاسی یا تمایل سیاسی، جناحی، قومی و ... نداشته باشند. بند «۱۵» سیاست‌های کلی انتخابات یکی از شاخص‌های سلامت انتخابات را استقلال مجریان و ناظران دانسته و بر رعایت کامل این اصل از سوی آنها تأکید کرده است. در همین راستا قانونگذار اصلاح قانون مصوب سال ۱۴۰۲ در ماده (۷۵)، عدم رعایت بی‌طرفی و استقلال اعضای شورای نگهبان را جرم‌انگاری کرده و نسبت به عدم رعایت این اصول توسط ناظران نیز قبلاً در ماده (۹۶) قانون انتخابات جرم‌انگاری شده است.

۴-۲. اصل بی‌طرفی

بایسته‌ای که در همه فرایندهای انتخابات و از جمله تعیین صلاحیت، حاکم است اصل بی‌طرفی نهاد تعیین‌کننده صلاحیت است. اصل بی‌طرفی که از ویژگی‌های یک نظام دموکراتیک و قانونمند است (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۱۸) به‌عنوان شاخص و مفهومی

در تبیین یک انتخابات منصفانه تلقی می‌شود (یورگن الکیت، ۱۳۸۴: ۷۹). مطابق این اصل، شورای نگهبان، هیئت مرکزی نظارت، هیئت‌های نظارت در انجام وظایف خود تنها بر مبنای قانون، عدالت و انصاف اقدام کنند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۴۷). در تفکیک میان اصل بی‌طرفی و استقلال شاید بتوان گفت که اصل بی‌طرفی یک امر درونی و ناشی از عدم تأثیر تمایل آگاهانه فرد به تعلقات شخصی مانند مذهب، طایفه، رویکرد فکری، مکتبی، سیاسی و ... در بررسی صلاحیت است. داشتن تمایلات در اشخاص امری طبیعی است اما توانایی عدم دخالت این تعلقات در یک قضاوت امری است اخلاقی و نیازمند تربیت است که می‌توان از آن به اصل بی‌طرفی یاد کرد. این در حالی است که استقلال یک ویژگی یا صفت اخلاقی است که در مقابل فشارها و تأثیرات بیرونی، شناسایی می‌شود و بدان معناست که فرد مستقل تحت تأثیر فشارهای بیرونی نیست.

۵-۲. اصل مشارکت حداکثری

لازمه حکومت مردم‌سالاری، حضور مردم در صحنه سیاسی کشور و مشارکت در تعیین سرنوشت خود است. انتخابات مهم‌ترین جلوه مشارکت عمومی در امور اداری کشور است. هرچه میزان مشارکت جامعه بیشتر باشد، نهادها و اشخاص انتخابی و به تبع آن حکومت، از اعتبار بالاتر و پشتوانه محکم‌تری برخوردار خواهد بود. بنابراین فرایند تعیین صلاحیت نباید به گونه‌ای باشد که نتیجه آن کاهش قابل توجه مشارکت عمومی و مردم در انتخابات باشد. به همین دلیل حضور افراد، گروه‌ها و احزاب با سلیق گوناگون سیاسی و فکری مشروع، برای مشارکت حداکثری جامعه باید مدنظر قرار گیرد. مقام معظم رهبری حضور افراد و جناح‌های بیشتر را در انتخابات هم برای نظام و هم شورای نگهبان مفیدتر و بهتر قلمداد کرده‌اند؛^۱ زیرا مبنای عملکرد

۱. «هرچه افراد از جهات و جناح‌های مختلف بیشتر در انتخابات شرکت کنند، این برای نظام بهتر است؛ برای شورای نگهبان هم بهتر است». بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۴ اسفند ۱۳۷۰ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

شورای نگهبان توجه به حفظ نظام جمهوری اسلامی است.^۱ مستفاد از بند «۱۱» سیاست‌های کلی نظام آن است که اصل «جلب مشارکت حداکثری» را باید شورای نگهبان در همه فرایندهای نظارت از جمله بررسی صلاحیت داوطلبان رعایت کند. شورای نگهبان در نظرهای خود مصوبه‌ای را که موجب کاهش مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت شود را مغایر با بند «۸» اصل سوم قانون اساسی می‌داند.^۲ برای ایجاد مشارکت حداکثری نیز باید میان آرمان حکومت اسلامی یعنی تصدی مناصب به‌دست صالحان و واقعیت اداره جامعه و حفظ اعتماد مردم به نظام که با مشارکت حداکثری تحقق می‌یابد موازنه و تعادل برقرار شود که این موازنه و تعادل تنها با نگرشی واقع‌بینانه به تحولات اجتماعی و پیش‌بینی حضور حداکثری مردم قابل تحلیل است.

۶-۲. اصل موسع بودن تشخیص صلاحیت

نتیجه اصل مهم مشارکت حداکثری آن است که تعیین شاخص‌ها و صلاحیت اشخاص نباید به‌گونه‌ای مضیق باشد که داوطلبان معدودی صلاحیت‌شان تأیید

۱. پیام حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن ۱۳۶۳ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

۲. از جمله: الف) اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۰۰۲۳ مورخ ۹۸/۱۰۲/۲۸ شورای نگهبان.

ب) اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نامه شماره ۹۴/۱۰۲/۴۵۰۶ مورخ ۱۳۹۴/۹/۴؛ اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح استانی - شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی نامه شماره ۹۴/۱۰۲/۱۸۷۷ مورخ ۹۴/۴/۲۱.

ج) شورای نگهبان استانی شدن انتخابات را از آن جهت که موجب اختلاف قومی و همچنین کاهش مشارکت مردم می‌شود مغایر شرع و بند «۸» قسمت اخیر بند «۱۰» اصل سوم دانسته است (اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مندرج در نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۰۰۲۳ مورخ ۹۸/۲/۲۸).

د) همچنین شورا موادی از قانون که بر فهرستی بودن اسامی نامزدها و تشریفات آن تأکید می‌کند و همچنین شماره آرا به‌صورت استانی و تناسبی و توسعه حکم محرومیت مشاغل و سمت‌ها برای داوطلبی مبنی بر ایراد کاهش مشارکت مردم مغایر با قانون اساسی دانسته است (اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مندرج در نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۰۰۲۳ مورخ ۹۸/۲/۲۸).

شود.^۱ بنابراین بررسی صلاحیت، سهل‌گیرانه و با تسامح عرفی و شرعی انجام می‌شود. بنابراین، تعیین صلاحیت بر مبنای حداقل شاخص‌های صلاحیت است. نتیجه این موضوع آن است که شورای نگهبان کسانی را که تأیید می‌کند، از حداقل صلاحیت مورد نیاز برای تصدی امور اجرایی یا تقنینی برخوردارند و انتخاب اصلح میان ایشان بر عهده ملت ایران است.^۲

۲-۷. اصل محرمانگی تعیین صلاحیت نسبت به غیر داوطلبان

در بررسی صلاحیت، با استعلام از مراج ذی‌صلاح قانونی، اطلاعاتی در خصوص داوطلبان کسب می‌شود که این اطلاعات از یکسو جزء حریم خصوصی آنها محسوب شده و از سوی دیگر افشای آنها بدون اذن، ممکن است موجب تهدید آبرو و حیثیت آنها یا در برخی موارد هتک حیثیت افراد دیگر باشد. اصل محرمانگی در همه فرایندهای تعیین صلاحیت اعم از مرحله جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها جاری است. باید خاطر نشان کرد با توجه به حق دانستن دلایل و اصل شفافیت و پاسخگویی در فرایند بررسی صلاحیت، اطلاق اصل محرمانگی شامل داوطلب نبوده و منصرف از اوست. به همین دلیل کارشناسان و مراجع تعیین صلاحیت باید در همه مراحل تعیین صلاحیت، اصل محرمانه بودن اطلاعات و فرایند رسیدگی را رعایت و از افشا و انتقال اخبار و اطلاعات به دست آمده یا منابع خبر بدون مجوز قانونی خودداری کنند. نقض این اصل موجب رسیدگی قضایی در محاکم دادگستری خواهد بود و حتی در مرحله ارائه ادله رد صلاحیت به داوطلب نیز جاری بوده و همچنین به موجب بندهای «ب»، «ج» و «د» بند «۲» ماده واحده قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مواردی که ارائه اسناد مستوجب هتک حیثیت داوطلب یا افراد دیگر یا مغایر با امنیت ملی باشد، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. البته رعایت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم یزد، ۱۲ دی ۱۳۸۶ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

این اصل از سوی داوطلبان ردصلاحیت شده نیز الزامی است و به همین جهت داوطلب نمی‌تواند آن دسته از دلایل ردصلاحیت خود که افشای آنها از مصادیق «اشاعه فحشا» است را حتی با رضایت خود اعلام و منتشر کند. قانونگذار تبصره «۵» ماده (۶۴) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به صراحت به این اصل و ضمانت اجرای نقض آن اشاره کرده است.^۱

۸-۲. اصل فوریت در تعیین صلاحیت

فوریت در رسیدگی بدان معناست که نهاد تعیین صلاحیت، در مناسب‌ترین زمان ممکن به صلاحیت داوطلبان، رسیدگی کند به گونه‌ای که حقوق او از جمله حق دفاع، اعتراض و دادخواهی تضییع نشود. لذا هر امری که باعث وقفه یا اختلال در این فرایند شود مغایر با قانون اساسی و عدالت انتخاباتی بوده و موجب تضییع حقوق داوطلبان خواهد بود (طحان نظیف و کدخدامرادی، ۱۳۹۸: ۱۱۳۳). شورای نگهبان، ماده (۵۱) موضوع ماده (۲۰) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ را از آن جهت که حذف عبارت «فرمانداران و بخشداران باید با سریع‌ترین وسیله اسناد و مدارک رد صلاحیت را به هیئت نظارت استان برسانند» موجب اختلال در اعمال نظارت شورای نگهبان می‌شود را مغایر اصل نودونهم قانون اساسی تشخیص داد.^۲ باین حال به نظر می‌رسد که زمان‌های تعیین شده در قانون برای بررسی صلاحیت داوطلبان (۱۰ روز در هیئت‌های اجرایی،^۳ بیست روز در هیئت مرکزی نظارت و ۱۰ روز در شورای نگهبان) که مستلزم جمع‌آوری ادله، اخذ استعلام‌ها، اخذ دفاعیات داوطلبان ردصلاحیت شده و ... است و با وجود حجم زیاد

۱. تبصره «۵» ماده (۶۴) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱: «مبتنی بر اصل محرمانگی تعیین صلاحیت، اطلاعات و اسناد مربوط به بررسی صلاحیت داوطلبان، مشمول قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۲۹ است. در صورتی که انتشار و افشای اطلاعات و اسناد مذکور یا اخبار خلاف واقع، مستلزم توضیح یا تبیین از سوی شورای نگهبان باشد، شورا می‌تواند به نحو مقتضی توضیحات خود را به صورت عمومی ارائه نماید».

۲. نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ شورای نگهبان.

۳. ماده (۵۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب.

ثبت‌نام‌کنندگان نمی‌تواند وقت مناسبی برای رعایت حقوق داوطلبان باشد. به همین دلیل شورای نگهبان تعیین مدت کم برای بررسی صلاحیت‌ها را از آنجاکه باعث اختلال در امر نظارت شورا بر انتخابات می‌شود مغایر با اصل نودونهم قانون اساسی دانست.^۱ از این جهت بود که قانونگذار در سال ۱۴۰۲ با اصلاح مواعد رسیدگی صلاحیت، زمان رسیدگی صلاحیت در هیئت‌های اجرایی را به ۱۵ روز،^۲ هیئت مرکزی نظارت به ۵۰ روز^۳ و شورای نگهبان را به ۳۰ روز^۴ توسعه داده است. تأکید قانونگذار بر رسیدگی به صلاحیت داوطلبان با تصریح بر «اسرع وقت»^۵ «ارسال روزانه مدارک با سریع‌ترین وسیله به وزارت کشور»^۶ یا ارسال مدارک به قید فوریت به هیئت‌های نظارت استان^۷، ارسال «روزانه» اطلاعات و فهرست داوطلبان به مراجع استعلامی،^۸ در راستای فوریت در تعیین صلاحیت است. به همین جهت قانونگذار تأخیر در فرایند رسیدگی به صلاحیت و از جمله عدم پاسخ استعلام‌های نهادهای مربوط را جرم‌انگاری کرده است.^۹

۹-۲. اصل استثنایی بودن صلاحیت

مدیریت و نمایندگی، امری استثنایی است و اصل بر عدم شرایط مدیریت و تصدی نمایندگی در میان اشخاص است مگر اینکه شرایط آن احراز شود. اصول حقوق عمومی نیز اصل را بر عدم صلاحیت در تصدی مناصب می‌دانند (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۲۲)؛ زیرا شرایط نمایندگی اوصافی است که یک شخص باید آنها را کسب

۱. اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مندرج در نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱.

۲. ماده (۶۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۳. ماده (۶۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۴. بند «ب» ماده (۶۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۵. تبصره «۲» ماده (۴۵) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۶. ماده (۵۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۷. ماده (۶۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۸. ماده (۵۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۹. تبصره «۲» ماده (۵۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

کند و این گونه نیست که به صورت ذاتی متصف به آنها باشد و در مواردی که تردید در وجود چنین شرایط باشد با استصحاب سابقه فقدان این شرایط حکم به عدم صلاحیت صادر می شود (رضایی زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۳۴). لذا شرایط ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، شرایطی است که باید در اشخاص اثبات شود و نمی توان اصل صحت را در خصوص آن جاری دانست.^۱ شورای نگهبان وظیفه احراز صلاحیت شهروندان برای تصدی امر تقنین و اجرا را برعهده دارد^۲ بنابراین شورای نگهبان در صورتی که نتواند صلاحیت فرد را برای وظیفه تقنین احراز کند برای فقدان صلاحیت کفایت می کند. به همین دلیل عدم احراز برای رد کافی است و احراز عدم لازم نیست.^۳ پذیرش صلاحیت اشخاص در صورت عدم احراز شرایط قانونی نمایندگی، نقض اصل شصت و دوم قانون اساسی - که بر وجود شرایط نمایندگی به موجب قانون تأکید می کند - و در نتیجه نفی اصل حاکمیت قانون خواهد بود (همان: ۱۳۰). برخی با استناد به اصل برائت، اصل را بر داشتن صلاحیت دانسته اند، این در حالی است که مجرای اعمال اصل برائت در تکلیف و حکم یعنی حق «انتخاب شدن» است و اگر در استیفای این حق توسط شخصی تردید شود اصل بر داشتن و استیفای این حق است در حالی که داشتن شرایط نمایندگی در قانون انتخابات برای داوطلب، مکلف به بوده که در موارد شک اصالت اشتغال و احتیاط جاری است و نه اصل برائت (مرتضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

شورای نگهبان در بررسی ماده (۵۱) موضوع ماده (۲۰) و ماده (۵۲) موضوع ماده (۲۱) لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که احراز عدم صلاحیت را به منزله داشتن صلاحیت داوطلبان دانسته و رسیدگی هیئت نظارت را منحصر به «احراز عدم صلاحیت» کرده بود را از آن جهت که این موضوع مستلزم تجویز ورود

۱. شورای نگهبان در بررسی لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اظهار داشته است که شرایط مذکور در ماده (۲۸) قانون انتخابات اثباتی است و باید احراز شود و اصل صحت جاری نیست (نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ شورای نگهبان).

۲. بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین ۲۶ آذر ۱۳۸۲ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان ۱۱ مهر ۱۳۸۰ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

افراد غیرواجد شرایط به مجلس شورای اسلامی می‌شود مغایر اصل شصت و هفتم قانون اساسی تشخیص داد^۱ و صرف ابراز وفاداری به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه بدون التزام عملی را مغایر بند (۱-۱۰) سیاست‌های کلی انتخابات دانسته است.^۲ حال که مشخص شد اصل بر فقدان صلاحیت است؛ مطابق با اصول، شخصی که خلاف اصل ادعایی را مطرح می‌کند، مدعی شمرده می‌شود که باید براساس قاعده «البینه علی المدعی»، دلیل داشتن صلاحیت را تأمین کند. بنابراین در مواردی که شورای نگهبان مبتنی بر برخی از قرائن و امارات متعارف نمی‌تواند صلاحیت داوطلب را احراز کند، داوطلب باید دلیل برای صلاحیت خود - از جمله اثبات نفی قرائن و امارات مغایر با صلاحیت‌اش - را ارائه کند؛ در غیر این صورت، صلاحیت او احراز نخواهد شد.

۱۰-۲. اصل جمع‌نگری و ویژگی‌های داوطلب

مبتنی بر اصل عدم صلاحیت، شرایط تصدی منصب نمایندگی باید احراز شود و از جهت عقلی و عرفی صلاحیت داوطلب احراز نمی‌شود مگر اینکه همه ویژگی‌های خوب (مثبت) و بد (منفی) داوطلب به صورت مجموعه کاملی مورد بررسی قرار گیرد. منظور از ویژگی مثبت و منفی، سوابق، خصوصیات و رفتارهای داوطلب است که می‌توان از طریق آنها نسبت به احراز یا رد شرایط کیفی صلاحیت مانند «اعتقاد و التزام عملی به اسلام، جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه» تصمیم‌گیری کرد.^۳

بنابراین از یکسو باید همه ویژگی‌ها و سوابق برجسته و مهم (ویژگی ایجابی) داوطلب اعم از فرهنگی، اجرایی، علمی، سیاسی و ... در معرض بررسی قرار گیرد

۱. نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ شورای نگهبان.

۲. اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مندرج در نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۰۰۲۳ مورخ ۹۸/۴/۲۸.

۳. ویژگی ایجابی یا سلبی با شرایطی که برخی از نویسندگان در تقسیم‌بندی شرایط بررسی صلاحیت موضوع مواد (۲۸)، (۲۹) و (۳۰) قانون انتخابات ارائه کرده‌اند متفاوت است.

و از سوی دیگر در صورت وجود سابقه یا ویژگی منفی (ویژگی سلبی)، آن سابقه یا ویژگی‌های منفی باید در کنار ویژگی برجسته و مثبت فرد مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، ممکن است داوطلب هیچ‌گونه سابقه سوء یا ویژگی سلبی (اعم از قضایی یا امنیتی) نداشته باشد در این صورت با مشکل عدم احراز مواجه‌ایم و برای رفع این موضوع باید ویژگی‌های مثبت و ایجابی برجسته فرد که مرجع تعیین صلاحیت می‌تواند معیارهای کیفی صلاحیت را احراز کند مورد توجه و بررسی قرار دهد. به عنوان نمونه در رویکرد سلبی صرف، در صورتی که داوطلب دارای یک فقره محکومیت به توهین ساده از محاکم کیفری باشد (ویژگی سلبی)، صلاحیت وی رد خواهد شد این در حالی است که در رویکرد حقوقی-عرفی به صرف همین موضوع نمی‌توان عدم التزام وی به قانون و در نتیجه قانون اساسی را نتیجه گرفت بلکه باید ویژگی‌های ایجابی وی نیز در نظر گرفته شود چه بسا خدمات و ویژگی‌های مثبت داوطلب به گونه‌ای است که آن ویژگی منفی در مقابل ویژگی‌های مثبت، نافی صلاحیت داوطلب نخواهد بود. مؤید این نگاه را می‌توان در بخشی از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یافت.^۱

۱۱-۲. اصل ترافیعی بودن تعیین صلاحیت

ماهیت تعیین صلاحیت شبه قضایی است یعنی از آنجا که مرجع تعیین صلاحیت

۱. «قاچاق، یک عنوان عام و وسیع و یک طیف است. مثلاً یک وقت هست که یک نفر فرضاً به خارج از کشور رفته و حالا آمده و یک دستگاه ضبط صوت هم با خودش آورده که مثلاً قاچاق محسوب می‌شود؛ یا مثلاً موقع خروج از کشور، فلان جنس را همراه خودش خارج کرده است. هر چند ورود و خروج آن اجناس طبق مقررات نبوده و البته این یک قانون شکنی و تخلف از قوانین است؛ اما معلوم نیست که این خیلی اهمیت داشته باشد که کسی را از صلاحیت بی‌اندازد؛ به خصوص بعد از آنکه آثار توبه و انابه هم ظاهر بشود. اما یک وقت هست که یک نفر با یک باند قاچاق ارتباط دارد و اصلاً کارش تمهید مقدمات و تسهیل طرق برای انجام قاچاق است؛ اینها یکسان نیستند. باید واقعاً نگاه کرد، حدود را مشخص کرد و فهمید که صرف عنوان کافی نیست. یا مثلاً یک نفر در یک معامله تخلف کوچکی داشته، اما یک نفر هم در امر معامله و تصرفات مالیش اصلاً آدم فاسد و سوءاستفاده‌چی است؛ بناحق به دست می‌آورد، بناحق خرج می‌کند و بناحق به این و آن می‌دهد؛ اینها فساد مالی است. بنابراین، کار اهمیت دارد و باید ضوابط را در این کار به شدت رعایت کرد» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۴ اسفند ۱۳۷۰) (ابریشمی راد، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۴).

نسبت به حق داوطلب اظهار نظر می‌کند داوطلب این حق را دارد و باید بتواند نظرها و دفاعیات خود را در مقابل تصمیم مرجع مذکور اعلام کند. توافقی بودن خود مستلزم چند اصل دیگر از جمله اصل شفافیت معیارها و فرایند تعیین صلاحیت، اصل اطلاع از دلایل رد صلاحیت، اصل تجدیدنظرخواهی و اعتراض، اصل استماع دفاعیات و ... است.

۱-۱۱-۲. اصل شفافیت معیارها و فرایند تعیین صلاحیت

اصل شفافیت یکی از معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه است به این معنا که شرایط قانون، اطلاعات و فرایند بررسی صلاحیت‌ها به گونه‌ای آزاد و منسجم در اختیار اشخاصی قرار گیرد که مخاطب تصمیمات مجریان یا ناظران اجرای قانون است (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در همین راستا قانون باید شرایط لازم برای بررسی صلاحیت داوطلبان را به روشنی تبیین کند.^۱ اعلام معیارها و شاخص‌ها در هر دوره و همچنین اخذ دفاعیات و رسیدگی مشورتی، می‌تواند ایرادهای وارد بر عدم عینی و کمی شرایط نمایندگی از جمله ناتوانایی شهروندان در انطباق خود با شرایط نمایندگی و همچنین غیرقابل پیش‌بینی بودن بررسی صلاحیت توسط نهاد ناظر (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۹) را نیز برطرف کند. معیارهای عینی تعیین صلاحیت مانند سن، مدرک تحصیلی و تابعیت که واجد اندازه‌گیری عینی است، قضاوت در مورد آنها مستلزم استدلال و معیارهای ذهنی نیست. اما هرچند بتوان برای معیارهای کیفی مانند «اعتقاد و التزام عملی به اسلام، جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه» معیارهای عینی تبیین کرد مانند «ارتکاب هرگونه عمل خلاف شرع» یا «عدم پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی مانند امانت‌داری، رعایت حق الناس» (طحان نظیف و کدخدامرادی، ۱۳۹۸: ۱۳۵) از آنجاکه سطح و مصادیق التزام عملی مفاهیم مذکور مبتنی بر نظریه حقوقی-عرفی (نوعی) احراز صلاحیت در زمان و دوره‌ای

۱. بند ۱-۱۰- سیاست‌های کلی انتخابات در راستای شایسته‌گزینی داوطلبان تراز نمایندگی مجلس بر تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان تأکید می‌کند.

متناسب با عرف متعارف آن تغییرپذیر است (که در قسمت انتهایی مقاله توضیح داده خواهد شد)، تعیین معیارها و مصادیق عینی کارساز نخواهد بود و باعث موقتی بودن قانون تنها برای یک یا چند دوره خاص می‌شود ضمن اینکه اختلاف نظرها در خصوص جزئیات و مصادیق در میان اعضا و نوع برداشت آنها به وجود خواهد آمد و از طرف دیگر اصل جمع‌نگری به همه شرایط سلبی و ایجابی را غیرممکن خواهد کرد. از این رو نگارنده برخلاف دیدگاه برخی نویسندگان (طحان نظیف و قلیچ‌پور، ۱۴۰۰: ۲۶) معتقد است مبتنی بر نظریه تعیین صلاحیت، باید شرایط کیفی را به صورت کلی و تشکیکی بیان کرد که قابل انطباق با شرایط و مقتضیات باشد تا بتوان مصادیق آن را در هر دوره از زمان برشمرد و آن را جرح و تعدیل کرد. این رویکرد یعنی شناور بودن مصادیق منطبق با زمان و مکان این امکان را می‌دهد که شرایط بررسی نمایندگی در هر دوره‌ای به گونه‌ای «تنظیم شوند که بین ضرورت‌های انجام مطلوب [وظایف] نمایندگی و ویژگی همگانی انتخابات [=مشارکت حداکثری] تعادل ایجاد شود» (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۸).

۲-۱۱-۲. اصل اعلام دلایل رد صلاحیت (اصل پاسخگویی)

مطابق با نظریه حقوقی-عرفی، رد صلاحیت داوطلبان باید براساس دلایل و مدارک معتبر و مستند به قانون باشد^۱ و در صورت درخواست داوطلبان، مقام ناظر موظف است دلایل و مدارک رد صلاحیت را به وی اعلام کند تا بتواند در مقابل، دفاعیات یا توضیحات خود را ارائه دهد. سیاست‌های کلی انتخابات، شورای نگهبان را موظف کرده است که دلایل رد صلاحیت داوطلبان را در صورت درخواست به وی اعلام کند؛ ضمن اینکه شیوه اعلام دلایل نیز به موجب قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است. لذا داوطلب حق اعتراض داشته و شورای نگهبان نیز موظف است به صورت کتبی دلایل رد صلاحیت را مستند و مستدل به

۱. تبصره ماده (۶۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

داوطلب اعلام کند. بیان دلایل می‌تواند تعدیل‌کننده و محک قرار دادن نهادهای استعلام‌شونده باشد که به ارسال مدارک اقدام می‌کنند که اگر اشتباهی رخ دهد از طریق این فرایند ترافعی حل‌وفصل شود. عدم اعلام مستندهای رد صلاحیت داوطلبان می‌تواند نقض قانون اساسی محسوب و مشمول پیام ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی شود (عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۳). در همین راستا، قانونگذار در اصلاح قانون انتخابات در سال ۱۴۰۲ در ماده (۶۲)^۱ و تبصره «۱» ماده (۶۴)^۲ به‌صراحت شنیدن توضیحات و دفاعیات داوطلب و همچنین دانستن دلایل عدم صلاحیت را به‌عنوان حقی مسلم پذیرفته است.

۳-۱۱-۲. اصل اعتراض و تجدیدنظرخواهی

تجدیدنظرخواهی از آرا و تصمیمات از اصول اساسی دادرسی عادلانه است از این رو کسانی که صلاحیت آنها تأیید یا احراز نشده است این حق را دارند که به تصمیم بدوی شورای نگهبان اعتراض کنند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از مبانی تجدیدنظر شورا را در تعیین صلاحیت‌ها، ایجاد فضای لازم برای حضور سلاقی گوناگون سیاسی دانسته‌اند.^۳ به همین دلیل قانونگذار به داوطلبان اجازه داده از آرای هیئت‌های اجرایی به هیئت نظارت استان^۴ و از آرای هیئت مرکزی نظارت به شورای

۱. ماده (۶۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱: «هیئت نظارت استان در راستای بررسی دقیق صلاحیت داوطلبان و تحت نظارت هیئت مرکزی نظارت موظف است به‌صورت مستدل و مستند به قانون، مدارک، دلایل یا قرائن اطمینان‌آور براساس تحقیقات لازم، اخذ سوابق و مدارک اثباتی از داوطلب، شنیدن توضیحات یا دفاعیات داوطلب و با رعایت موازین شرعی و حقوقی، نظر خود را به همراه مستندات به هیئت مرکزی نظارت اعلام کند. مدت زمان بررسی و تشخیص صلاحیت در این مرحله (بررسی در هیئت نظارت استان و نظر نهایی هیئت مرکزی نظارت) ۵۰ روز است.»

۲. تبصره «۱» ماده (۶۴) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱: «تبصره ۱- حق دانستن دلایل و ارائه دفاعیات و توضیحات داوطلب در مراحل بررسی صلاحیت در شورای نگهبان تنها در صورتی است که یکی از شرایط زیر در مورد وی صدق کند: ...»

۳. نامه به شورای نگهبان برای تجدیدنظر در صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری، دوم خرداد ۱۳۸۴.

۴. تبصره ماده (۶۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

نگهبان^۱ اعتراض و شکایت کنند. همچنین مطابق تبصره «۱» قانون ماده واحد لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام در صورتی که شورای نگهبان صلاحیت داوطلبی را که در مراحل قبلی مورد تأیید قرار گرفته است رد کند داوطلب می‌تواند تقاضای تجدیدنظر خود را به شورای نگهبان اعلام کند. از آثار تجدیدنظرخواهی، قطعی بودن و غیرقابل اعتراض بودن تصمیم تجدیدنظر شده است؛ به عبارت دیگر، تصمیماتی که اعتراض در خصوص آنها مورد بررسی قرار گرفته از اعتبار امر مختومه برخوردارند و قابل اعتراض در شورای نگهبان یا در نهاد دیگری نیست. به طور کلی تصمیمات نهادهای عالی و مستقل در نظام‌های حقوقی که وظیفه صیانت از قانون اساسی و در کنار آن نظارت بر انتخابات را برعهده دارند از اعتبار امر مختومه برخوردارند (یاوری، ۱۳۹۶: ۲۱۹). در همین راستا بند «۸» اعلامیه درباره معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه ۱۱۹۴ پاریس اشعار می‌دارد: «هر فرد یا حزب سیاسی که حقوق مبارزاتی، نامزدی یا حزبی او سلب یا محدود شده، باید حق داشته باشد به مرجعی صالح دادخواهی کند تا مرجع مذکور آن تصمیمات را بررسی و اشتباهات را به‌طور فوری و مؤثر تصحیح کند» (گودوین گیل، ۱۳۸۹: ۲۵).

۴-۱۱-۲. اصل شنیدن دفاعیات و توضیحات داوطلب

یکی از آثار اصل ترافعی بودن، اخذ دفاعیات داوطلبان است. استماع دفاعیات یا توضیحات داوطلب موجب اتخاذ تصمیم صحیح و عادلانه در فرایند بررسی صلاحیت‌ها است (رضایی‌زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۳۳). در همین راستا تبصره ماده (۶۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، هیئت نظارت استان را موظف کرده است که «توضیحات و اظهارات داوطلبانی که صلاحیت آنها تأیید نشده یا تأیید نمی‌شود و یا احراز نگردیده است» را استماع کند. این تبصره در قانون سابق انتخابات مجلس شورای اسلامی وجود داشت اما با اصلاح صدر ماده (۶۲) در قانون انتخابات

۱. بند «ب» ماده (۶۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

مصوب ۱۴۰۲ و ترسیم اصول دادرسی ضمن الزام رعایت این اصل، شیوه اعمال آن را نیز شفاف‌تر کرده است. این موضوع در تبصره «۲» ماده‌واحد قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. شورای نگهبان نیز در راستای اعمال این اصل، در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، دوازده هزار جلسه دعوت از داوطلبان و استماع دفاعیات آنها را برگزار کرد (۱۰ هزار جلسه حضوری و دو هزار جلسه تلفنی). در این جلسات ضمن ارائه دلایل عدم تأیید یا عدم احراز صلاحیت به داوطلبان، دفاعیات و توضیحات ایشان برای تصمیم‌گیری در هیئت مرکزی نظارت و همچنین شورای نگهبان اخذ شد که در حدود شش هزار نفر از آنها احراز صلاحیت شدند.

۳. رویکرد حقوقی-عرفی (نوعی) تشخیص صلاحیت

بررسی و تبیین اصول حاکم بر فرایند تعیین صلاحیت نشان می‌دهد که دیدگاه مقنن و ماهیت احراز صلاحیت، برپایه رویکرد حقوقی و مبتنی بر قانون است و از آنجاکه طرف دیگر این احراز، مردم و مشارکت جامعه مدنی به‌عنوان عرف است، برخی از ویژگی‌های آن دارای ماهیت عرفی یا به‌عبارت‌دیگر «نوعی» است. بنابراین، تشخیص صلاحیت، نوعی تصمیم‌گیری در خصوص «حق» انتخاب‌شدن اشخاص است و قانونگذار همه اصول و بایسته‌های حاکم بر یک نوع دادرسی حقوقی و شبه‌قضایی را بر آن بار کرده است. از این‌رو می‌توان نظریه احراز صلاحیت را نظریه حقوقی دانست و در همین راستا است که از منظر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲، داوطلبان همه حقوق دفاعی خود را دارند و از این جهت حق دارند از دلایل رد یا عدم احراز صلاحیت خود مطلع شوند^۱ و دفاعیات و ادله^۲ و توضیحات خود را

۱. بند ۱۱-۲ سیاست‌های کلی نظام شورای نگهبان را موظف به «پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان»، کرده است.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۱ مهر ۱۳۸۰ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

به مرجع تعیین صلاحیت ارائه کنند و مرجع مذکور نیز ملزم به پذیرش و استماع دفاعیات و ادله در هر مرحله از بررسی است. از دیگر حقوق دفاعی داوطلبان در بررسی صلاحیت، حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی از بررسی اولیه صلاحیت داوطلب است. از آثار دیگر حقوقی بودن «تعیین صلاحیت» آن است که بررسی صلاحیت باید «مستند» و «مستدل» به قانون باشد. در همین راستا، قانونگذار در ماده (۶۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحی ۱۴۰۲/۵/۱ ماهیت احراز صلاحیت را با تأکید بر عبارت «رعایت موازین شرعی و حقوقی»، حقوقی و شبه قضایی دانسته و اشعار می‌دارد:

«ماده ۶۲- هیئت نظارت استان در راستای بررسی دقیق صلاحیت داوطلبان و تحت نظارت هیئت مرکزی نظارت موظف است به صورت مستدل و مستند به قانون، مدارک، دلایل یا قرائن اطمینان‌آور براساس تحقیقات لازم، اخذ سوابق و مدارک اثباتی از داوطلب، شنیدن توضیحات یا دفاعیات داوطلب و با رعایت موازین شرعی و حقوقی، نظر خود را به همراه مستندات به هیئت مرکزی نظارت اعلام کند. مدت زمان بررسی و تشخیص صلاحیت در این مرحله (بررسی در هیئت نظارت استان و نظر نهایی هیئت مرکزی نظارت) ۵۰ روز است.

تبصره- هیئت نظارت استان موظف است رأساً یا از طریق کارشناسان خود توضیحات و اظهارات داوطلبانی که صلاحیت آنها تأیید نشده یا تأیید نمی‌شود و یا احراز نگردیده است را تا پایان مهلت مقرر در این ماده استماع نماید».

بنابراین، با توجه به اینکه احراز صلاحیت، یک دادرسی شبه قضایی و مستلزم دانش حقوقی یا فقهی موردنیاز است، استفاده از کارشناسان با تحصیلات حقوقی برای تحلیل و بررسی و اخذ دفاعیات داوطلبان لازم است. شورای نگهبان نیز در ماده (۴) دستورالعمل بررسی صلاحیت مصوب ۱۴۰۲، بر حضور کارشناسان با مدرک تحصیلی در رشته حقوق یا فقه تأکید کرده است. این موضوع بدان جهت است که در راستای یک دادرسی عادلانه و منصفانه حضور کارشناسان آموزش دیده با علم حقوق و فقه، ضمن اجرای صحیح قانون باعث تضمین حقوق داوطلبان خواهد شد. از این رو

به‌عنوان اصل حرفه‌ای بودن در نظارت بر انتخابات یاد می‌شود (خسروی و حسینی صدرآبادی، ۱۳۹۶: ۹۲).

منظور از احراز عرفی یا نوعی، گستره یک دیدگاه «متعارف و معقول» مبتنی بر شرایط اجتماعی، سیاسی و دینی بر فرایندها، مصادیق و مفاهیم تعیین صلاحیت است. هرچند تعیین معیارهای عینی برای شناسایی این معیارهای نوعی ساده نیست و این امر به نهادهای مشورتی و جمعی مانند هیئت‌منصفه یا در بررسی صلاحیت به هیئت‌های نظارت (اعم از استانی، مرکزی و شورای نگهبان) واگذار می‌شود اما، درخصوص نوعی یا عرفی بودن تعیین صلاحیت می‌توان به برخی از اصول ذیل اشاره کرد: الف) مبتنی بر احراز عرفی یا نوعی، باید همه ادله و قرائن نیز نوعی و متعارف باشد که این سطح از ادله قانونی و شرعی شروع و به امارات متعارف علم‌آور (اطمینان‌آور) ختم می‌شود (موضوع ماده (۶۲) پیش‌گفته). ب) عرف متعارف و معقول حکم می‌کند که برای تعیین صلاحیت داوطلبان هم ویژگی‌های مثبت (خوب) و هم منفی (بد) داوطلبان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و از این جهت صرف توجه به موارد منفی بدون در نظر گرفتن نکات مثبت داوطلبان خلاف عرف معقول است. ج) مبتنی بر شاخص عرفی (نوعی) بودن تعیین صلاحیت، باید مرجع تعیین صلاحیت برای شرایط کیفی و ماهوی تشخیص میزان التزام از جمله بندهای «۱»، «۲» و «۴» ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، التزام عملی متعارف و معقول جامعه را نیز شناسایی و مورد توجه قرار دهد و نمی‌توان به التزام آرمانی یا مطلوب خاص استناد کرد. د) مبنای توجه به عرف متعارف و معقول، توجه به فلسفه و هدف تشخیص «صلاحیت» و «انتخابات» و ارتباط آنها با اداره جامعه در حکومت اسلامی است.

به بیان دیگر، هدف از تشخیص صلاحیت، حضور افرادی از سوی مردم (عرف) برای قانونگذاری و اداره جامعه و هدف از انتخابات ایجاد و نقش مشارکت حداکثری در اداره جامعه و اعتماد به حاکمیت است. به نظر می‌رسد عدم توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و دینی در هر دوره از انتخابات و یا تأکید بر التزام‌های آرمانی،

نمی‌تواند تأمین‌کننده مشارکت حداکثری و حضور مردم برای تعیین سرنوشت خود باشد و شاید به همین دلیل باشد که مقام معظم رهبری در توصیه‌ای به شورای نگهبان ضمن توجه به تسامح در سطح صلاحیت، تأکید می‌کند که دایره احراز نباید آنچنان مضیق شود که تعداد معدودی تأیید صلاحیت شوند.^۱ هرچند این ادعای نگارنده و ارجاع به عرف متعارف می‌تواند شبهه غیرعینی بودن بررسی صلاحیت و در نتیجه تشتت‌آرا را ایجاد کند؛ اما شاید بتوان گفت، توجه به اصول مهمی مانند مشارکت حداکثری و اداره صحیح و مطلوب حکومت اسلامی با حضور آحاد مردم، می‌تواند تا اندازه‌ای محدوده مصادیق و سطح صلاحیت را نسبت به معیارهای کیفی ماده (۳۱) قانون انتخابات تنظیم کند. توضیح بیشتر اینکه در شرایط کنونی جامعه نمی‌توان به استناد ارتکاب یک گناه کوچک یا یک محکومیت کیفری جزئی یا یک تخلف اداری یا انتظامی ساده، داوطلبی را لزوماً غیرملتزم به شرع یا قانون دانست بلکه، تعدد و تکرار حاکی از انگیزه و قصد واقعی داوطلب بر تجری، عرف متعارف و معقول این عدم التزام خواهد بود و شاید در شرایط و زمان دیگری، عرف متعارف آن را عدم التزام بداند. به نظر می‌رسد از آنجاکه تشخیص عرف متعارف و معقول را یک فرد یا قاضی به‌سختی می‌تواند احراز کند؛ قانونگذار تشخیص صلاحیت را برعهده هیئت‌های نظارت مرکزی و شورای نگهبان و به‌صورت تصمیم‌گیری جمعی قرار داده است، مشابه همین موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا جاری است؛ آنجاکه ملاک تشخیص عرف متعارف و معقول برای دادگاه‌ها، اظهار نظر هیئت‌منصفه است. البته نگارنده معتقد است این موضوع به نقد و ارائه نظر سایر اندیشمندان حقوقی نیاز خواهد داشت.

۱. «... البته توصیه همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیت‌ها را آنقدر بالا نبرند که یک عده معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، یک قدری سطح آن را با سماحت‌تر نگاه کنند». بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ (ابریشمی راد، ۱۳۹۴).

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تبیین ماهیت «احراز صلاحیت» و اصول حاکم بر آن یکی از چالش‌های سیاسی و علمی است. این مقاله با استناد به منابع حقوقی و مذاقه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌ویژه اصلاحات اساسی این قانون در سال ۱۴۰۲ و همچنین بررسی فرایندها و رویه‌ها، اصول و بایسته‌های حاکم بر بررسی صلاحیت را مشخص و سپس بر مبنای این اصول و نشانه‌های قانونی، ماهیتی را برای نظریه احراز صلاحیت به‌دست آورده است. یافته‌های این تحقیق بر اثبات فرضیه‌ها دلالت دارد. این پژوهش در راستای پاسخ به سؤال‌ها، اثبات کرد که اصل قانونی بودن یا حاکمیت قانون، اصل بی‌طرفی و استقلال مرجع تعیین صلاحیت، اصل فوریت و اصل محرمانگی، اصل دادخواهی و تجدیدنظرخواهی (شفافیت و پاسخگویی)، اصل ترافیعی بودن تعیین صلاحیت (حق دفاع یا ارائه توضیحات از سوی داوطلب و دسترسی به اطلاعات (ادله)) و اصل مشارکت حداکثری، مهم‌ترین اصول و بایسته‌های حاکم بر فرایند بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی است که قانونگذار در اصلاح قانون انتخابات مصوب ۱۴۰۲ با صراحت بیشتری نسبت به آنها اهتمام ورزیده است. همچنین در پاسخ به سؤال دوم این تحقیق و اثبات فرضیه متناظر آن، باید گفت دقت در مبانی این اصول و بایسته‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که ماهیت احراز صلاحیت یک موضوع حقوقی-عرفی (نوعی) است که باید کارشناسان و اظهارنظرکنندگان آن دارای مدرک و دانش حقوقی و فقهی لازم در این زمینه باشند. به‌عبارت‌دیگر، از آنجاکه در این فرایند نسبت به «حق» یا «سلب حق» انتخاب شدن داوطلبان تصمیم‌گیری می‌شود، ماهیت این فرایند و اصول حاکم بر آن حاکی از شبه‌قضایی یا نیمه‌قضایی بودن آن است و از این جهت راهکار رسیدن به یک دادرسی منصفانه و عادلانه، رعایت دقیق این بایسته‌های حقوقی و تضمین عدم نقض آنهاست. از این‌رو قانونگذار در ماده (۶۲) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ ضمن برشمردن این حقوق به‌صراحت بر عبارت «رعایت موازین شرعی و حقوقی» در فرایند بررسی صلاحیت تأکید کرده است. همچنین حسب دو اصل

مشارکت حداکثری (حضور آحاد مردم) و همچنین اصل اداره صحیح نظام اسلامی در شرایط زمان، نیاز است که سطح و مصادیق شرایط کیفی احراز صلاحیت با توجه به معیار عرف متعارف و معقول سنجیده شود و نمی‌توان به مصادیق آرمانی در این خصوص بسنده کرد؛ زیرا در غیر این صورت و عدم توجه به معیارهای واقعی، برگزاری انتخابات و مشارکت با مشکل مواجه خواهد شد که نتیجه آن اخلال در اداره صحیح جامعه است. نگارنده معتقد است که تنها با باور و رعایت رویکرد حقوقی - عرفی (نوعی) احراز صلاحیت می‌توان حقوق افراد در استیفای حق انتخاب‌شدن و حق حاکمیت در شناسایی افراد منطبق با شرایط قانونی و مشارکت حداکثری را به شایستگی تضمین کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابریشمی راد، محمدمبین (۱۳۹۴). «شورای نگهبان از منظر امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۲، ۱۳۹۲۰۰۶.
 ۲. اطاعت، محمدجواد (۱۳۸۳). «انتخابات و نظارت شورای نگهبان»، نشریه حقوق اساسی، ش ۲.
 ۳. پروین، خیراله و مهدی نورایی (۱۳۹۵). «تحلیل نظریه حق الناس در خصوص رأی و بررسی صلاحیت‌ها»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۸۲.
 ۴. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۷). نظارت بر انتخابات (تبیین و تحلیل صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات و بررسی شبهات پیرامون آن)، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
 ۵. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۵). «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، نشریه حقوق اساسی، ش ۶ و ۷.
 ۶. خسروی، حسن (۱۳۸۷). حقوق انتخابات دمکراتیک (اصول، مبانی و الگوی مطلوب نظام انتخابات پارلمانی)، تهران، انتشارات مجد.
 ۷. ----- (۱۳۸۹). «دمکراسی و اصول حاکم بر انتخابات آزاد و منصفانه»، تحقیقات حقوقی، ش ۲ (ویژه‌نامه).
 ۸. خسروی، حسن و ایرج حسینی صدرآبادی (۱۳۹۶). «نظارت کارآمد بر انتخابات»، حقوق اداری، سال پنجم، ش ۱۳.
 ۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، جلد اول و نهم، تهران، نشر روزانه.
 ۱۰. رضایی‌زاده، محمدجواد و محسن داوری (۱۳۹۵). «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، نشریه دانش حقوق عمومی، سال پنجم، ش ۱۴.
 ۱۱. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، «سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵ مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)».
- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=2461283527345434465>
۱۲. -----، «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی ۱۳۹۵/۳/۳».
- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=5311768141758423579>
۱۳. طحان نظیف، هادی و سجاد قلیچ‌پور (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات»، نشریه دانش حقوق عمومی، سال دهم، ش ۱.

۱۴. طحان نظیف، هادی و کمال کدخدامرادی (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات»، *نشریه مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل‌ونهم، ش ۴.
۱۵. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۴). «نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه مطالعات راهبردی*، ش ۶۹.
۱۶. علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸). *نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان*، تهران، نشر نی.
۱۷. قطبی، میلاد، اسماعیل محمدپور و حامد کرمی (۱۳۹۸). «نظارت بر نهاد شورای نگهبان و اعضای آن»، *فقه حکومتی*، ش ۷.
۱۸. گودوین گیل، گای اس (۱۳۸۹). *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه سیدجمال سیفی و سیدقاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۹. مرتضایی، سیداحمد (۱۳۸۹). «پاسخ به شبهات نظارت استصوابی با رویکرد فقهی»، *حکومت اسلامی*، ش ۵۵.
۲۰. مرتضایی، سیداحمد و ابراهیم حسینی (۱۳۹۳). «بررسی نظریه نظارت انتخاباتی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ش ۱۱.
۲۱. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷). «نظارت انتخاباتی: ماهیت نظارت شورای نگهبان بر انتخابات»، *حکومت اسلامی*، ش ۴۸.
۲۲. نامه‌های شورای نگهبان مندرج در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان به آدرس:
<http://nazarat.shora-rc.ir>
۲۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به آدرس:
<https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=9447>
۲۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). «نظارت شورای نگهبان «انضباطی» است، نه «استصوابی» و نه «استلاعی»»، *نشریه مدرس*، ش ۳۱.
۲۵. یآوری، اسداله (۱۳۹۶). «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، *نشریه تحقیقات حقوقی*، ش ۸۰.
۲۶. بورگن الکیت (۱۳۸۴). «انتخابات آزاد و منصفانه»، ترجمه احمد مرکز مالگیری، مجلس و راهبرد، ش ۴۶.